

«فلسوفان مسلمان» ← برداشتن گامهای بلند در تبیین و توضیح حقیقت انسان  
که با الهام از آموزه های دینی

حقیقت انسان ← انسان را موجودی مادی دانستن ← یعنی تقلیل او به موجودی صرفاً زمینی  
که دیگر قابل شدن و اثری های متعالی و ارزشمند به او معنا ندارد

انسان ← دارای روح الهی و غیر زمینی  
که موجودی جاودان - چنانچه خدا در زمین - مسجود فرشتگان  
که تمام جهان خلقت در خدمت او و برای او

فلسوفان مسلمان ← خود عارف پوره اند  
که با قدم سلوک و پاک نفس به شهود مراتب بالای حقیقی رسیده اند  
که وحی دانسته شده رسدن به شهود عالم برتر در توان به ن مادی است  
که با مولوی (عارف شاعر) هم نظر هم دل هستند که گفت:  
مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک

نظر ابن سینا ← اعطای روح انسانی به جنین در رحم مادر بعد از تکامل جسم ← از طرف خداوند  
که روح ← جنبه غیر مادی دارد ← از جنس موجودات مجرد است  
که استعداد کسب علم از طریق تفکر را دارد

که دارای توانایی درک اخلاق، عشق، دوستی، نفرت و پرستش و غیره را دارد  
دمی تواند آنرا را در خود پیدا آورد.  
که دارای جایگاه رفیع در نظام خلقت است ← و کوشش روح برای رسیدن به جایگاه  
اصلی خود را در قالب شکر بیان نموده  
سهروردی (شیخ اشراق) ← عارف و سالک الهی الله است

درک او از حقایق با الهام و اشرف معنوی از طریق شهودی است  
که بیان او به زبان فلسفه و استدلال است  
که هستی به تعبیر او ← نور است ← هستی و وجود ← مراتب نور است  
که خدا ← نور الانوار ← نور محض ← بیرون ظلمت ← نور تمام هستی است  
که موجودات ← ترکیب از نور و ظلمت هستند ← کامل نیستند

سرورری به نفس انسان ← جنبه نورانی وجود است (جسم و بدن جنبه ظلمانی او)  
 ← باکب نورانیست بیستر ← درک بهتر حقایق  
 ← باکب شایستگی بیستر ← حرکت در صیر کمال  
 ← حقیقتی مربوط به عالم مشرق است که در مغرب عالم (تاریکی)  
 گزشتار شده و مشتاق بازگشت به انجاست ← در کتاب  
 (قصه غزبه الغیبه)

ملاصدرا ← نفس انسان ← انسان دو بعدی است ← روح ضمیمه شده به بدن نیست  
 ← روح یا نفس نتیجه تکامل و رشد بعد جسمانی است  
 ← روح جسم از هم مجزا نیستند که کنار هم قرار گرفته باشند  
 ← با هم وحدت حقیقی دارند  
 ← روح جسم از یکدیگر تاثر می کنند → هر اتفاقی در روح بیفکده  
 در جسم ظاهر و نمود و بالعکس

در حکمت متعالیه ← روح انسان ← آخرین مرحله تکاملی تمام موجودات زنده است

← دارای ظرفیتی بی پایان ناپذیر است  
 ← می تواند به هر مرحله کمالی دست پیدا کند  
 ← و به هیچ رتبه کمالی قانع نمی شود  
 ← دارای ظرفیتی بی نهایت و استعداد بی نهایت است (بالفوه)  
 ← به فعلیت بر بدن ظرفیت ها و استعدادها تابع اراده و اختیار انسان  
 انسان اختیار دارد میر کفاهلی به بهت خدا را انتخاب کند  
 و یا ایمان و عمل میر را طر کند و یا غیر آنرا انتخاب کند  
 ← هویت انسان در ابتدا معلوم نیست ← تمام صفات و کمالات در انسان بالفوه  
 است ← بالفعل شدن آغاز به

گزشتار شده و شیوه زندگی مربوط است  
 نکته: آیات مولوی ← بصورت انسان از حیوانیت تا رسیدن به مقام قرب الهی را  
 توضیح می دهد.